



تفسیر صافی؛ تفسیری روایی و دارای مشی جامع و همه‌جانبه

فیض کاشانی جمود اخباری‌گری ندارد و در کتاب «تفسیر صافی» اصرار او بر این است که مفسر واقعی قرآن، اهل‌بیت (ع) هستند و این اثر به رغم این‌که تفسیر روایی است، درعین حال مشی عقلی و کلامی و مباحث اخلاقی و عرفانی را مدنظر قرار داده و از این نظر تفسیری بسیار جامع است.

تفسیر مأثور؛ فهم کتاب از مجرای عترت

محمد اسدی‌گرمارودی تصریح کرد:

تفسیر صافی؛ تفسیری روایی و دارای مشی جامع و همه‌جانبه

فیض کاشانی جمود اخباری‌گری ندارد و در کتاب «تفسیر صافی» اصرار او بر این است که مفسر واقعی قرآن، اهل‌بیت (ع) هستند و این اثر به رغم این‌که تفسیر روایی است، درعین حال مشی عقلی و کلامی و مباحث اخلاقی و عرفانی را مدنظر قرار داده و از این نظر تفسیری بسیار جامع است.

محمد اسدی‌گرمارودی، مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شریف، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) به بیان مطالبی در خصوص دیدگاه‌های مختلف مفسران در زمینه تفسیر مأثور و بحث از روش‌شناسی کتاب تفسیری «تفسیر صافی» پرداخت.

این استاد دانشگاه با بیان این‌که در بین فرق مختلف اسلامی در این‌که قرآن اولین کتاب و برترین منبع دینی است، جای هیچ‌گونه تردیدی نیست، اظهار کرد: همه فرق اسلامی این اعتقاد را دارند که اگر بخواهند دین را بشناسند، اولین و بهترین منبع شناخت دین قرآن کریم است. برای شناخت قرآن کریم ما با سه مسئله ترجمه، تفسیر و تأویل سروکار داریم. ترجمه همان برگرداندن مطلبی از زبانی به زبان دیگر است که زیاد نمی‌تواند محتوا را برای انسان روشن کند.

وی با بیان مثالی در این خصوص، افزود: اگر عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با عبارت «171#& به‌نام خداوند بخشنده مهربان» در فارسی ترجمه کنند، عبارت فارسی آن زیبایی‌های مطلبی را که در زبان عربی در عنوان «171#& بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن در عبارت «171#& الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نهفته شده است، نشان نمی‌دهد. لذا ما برای این‌که بتوانیم قرآن را بشناسیم و بفهمیم، همان‌طوری که خود قرآن کریم تاکید دارد، باید در قرآن تدبر کنیم.

وی با اشاره به معنای تدبر، اظهار کرد: تدبر در قرآن به معنای فهم دقیق قرآن کریم به اندازه‌ای است که برای ما ممکن باشد و باید نسبت به آن اهتمام کنیم که این فرایند همان تفسیر است، لذا تفسیر چنان‌که علمای لغت هم گفته‌اند، به معنای پرده برداشتن و شکافتن و توضیح دادن مطلب است. با توجه به منابع صدر اسلام، اولین مفسر قرآن بعد از پیامبر اکرم (ص) امیرالمومنین (ع) است.

این پژوهش‌گر قرآنی در توضیح این مطلب افزود: همان‌طوری که خداوند متعال در قرآن به پیغمبر (ص) می‌فرماید «171#& ... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ...» این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی» (نحل/44)، تبیینی که پیغمبر (ص) از قرآن برای مردم می‌کنند، در واقع يك نوع تفسیر قرآن از زبان پیامبر اکرم (ص) برای مردم است و بعد از پیغمبر اکرم (ص) امیرالمومنین (ع) و ائمه اطهار (ع) هستند که قرآن کریم را تفسیر می‌کنند.

اسدی‌گرمارودی با بیان این‌که در صدر اسلام، علمای اهل سنت ابن عباس را به عنوان مفسری بزرگ و معروف می‌شناسند، افزود: ابن عباس از صحابه زمان پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) بوده است که خود ابن عباس اعتراف می‌کند که آگاهی من از تفسیر قرآن و علم قرآن در مقابل علمی که علی بن ابی‌طالب (ع) دارد و به من یاد داده است، همانند قطره‌ای در مقابل اقیانوس است. بر این اساس تفسیر از همان سال‌های اول صدر اسلام مطرح بوده‌است.

وی ادامه داد: مفسرین ذوق‌های مختلفی به‌کار برده‌اند و به اقتضای ذوق شخصی، شرایط علمی یا جزئیات محیطی خود به تفسیر

قرآن پرداخته‌اند؛ مثلاً بعضی مفسرین مشی ادبی بسیار قوی داشته‌اند و قرآن را بیشتر از منظر ادبیات تفسیر کرده‌اند؛ بعضی دیگر مشی کلامی قوی داشتند و قرآن را بیشتر از دید علم کلام بحث کرده‌اند؛ دیدگاه‌های فقهی، فلسفی، تاریخی و اخلاقی نیز در تفسیر قرآن نقش داشته‌اند.

اسدی گرمارودی ادامه داد: در بین علمای شیعه دو تفکر بارز وجود داشته که گاهی هم شاید معارض هم به نظر بیاید. مشی گروهی از مفسرین اخباری بوده است؛ به این معنا که می‌گفتند ما آیات قرآن را تنها در صورتی که ذیل آن روایتی از یکی از معصومین (ع) نقل شده باشد، مورد تفسیر بر اساس روایت قرار می‌دهیم و تفسیر قرآن کریم همین است. لذا بیش از این حق دخالت در تفسیر قرآن را نداریم و در واقع نوعی انسداد باب علم در تفسیر قرآن را قائل هستند.

مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شریف ادامه داد: در دوران غیبت امام عصر (عج) که دسترسی ظاهری به امام معصوم (ع) وجود ندارد و دسترسی ما شیعیان به ائمه اطهار (ع) فقط از طریق روایات است و نیز به این دلیل که مفسرین واقعی قرآن نیز ائمه (ع) هستند، بر این اساس از نظر گروه نخست که اخباریون هستند، ماباید فقط روایاتی را که در باب آیات وارد شده است، ببینیم و قرآن را با این روایات تفسیر کنیم و هیچ بحث دیگری را مطرح نکنیم. دسته دوم گفتند در این که ائمه (ع) اولین و برترین مفسران قرآن هستند، جای بحثی نیست و در این که خود قرآن کریم فرموده است «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند» (واقعه/79) و معنای مطهرون هم طبق آیه شریفه «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (احزاب/33) اهل بیت (ع) هستند، شکی نیست و بنابراین مَسّ واقعی قرآن که درک عمیق و همه جانبه قرآن کریم است، از آن مطهرون است، اما ما نیز می‌توانیم در حد توان خودمان معانی قرآن را استخراج کنیم.

وی افزود: در اینجا دو نگاه وجود دارد؛ اول این که اگر آیاتی بود که روایات معصومین (ع) در ذیل آن آیات به ما نرسیده باشد، ما هیچ نوع حق فهم نسبت به آن آیه را نداریم، نباید اظهار نظر کنیم و نباید تلاش کنیم به اندازه‌ای که می‌توانیم از آیه بفهمیم و توضیح بدهیم. دوم این که اگر روایاتی را که ائمه (ع) فرمودند، بعد از این که اسنادش را بررسی کنیم و یقین کنیم که این روایت سند دارد و از ناحیه معصوم (ع) است، آیا با قرائنی که در علم درایه الحدیث و تفسیر قرآن وجود دارد، می‌توانیم استنباط کنیم که این روایت تفسیری است که غیر از آن دیگر نیست یا یک تفسیر در میان سایر تفسیرهاست یا صرفاً جهتی از معنا را بیان می‌کند و بطنی از بطون را بیان می‌کند؟

وی با بیان مثالی در این باب اظهار کرد: در ذیل آیه شریفه «لِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قِيَمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند» (مائده/55)، روایتی داریم که نقل کرده‌اند که این آیه در شان امیرالمومنین (ع) نازل شده است. پرسش این است که آیا در جریان انگشتربخشی آن حضرت، می‌توانیم این آیه را در یک مورد دیگری نیز سرایت دهیم؟ پاسخ این پرسش قطعاً منفی است. در اینجا این روایات و این شان نزول مخصص است و نشان می‌دهد که این آیه فقط یک مصداق دارد.

وی با اشاره به آیه شریفه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ پس انسان باید به خوراک خود بنگرد» (عبس/24)، اظهار کرد: در ذیل این آیه، روایتی از امام باقر (ع) داریم که منظور از این طعام، علم است و انسان وقتی دارد علم می‌آموزد، باید توجه کند که از چه کسی علم را فرا می‌گیرد. این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که آیا این بیان امام باقر (ع) مخصص است، یعنی معنای آیه منحصر در این معنا است یا این که معانی دیگری هم می‌توان از این آیه استخراج کرد؟ قرآن بطن در بطن دارد. مثلاً فرض کنید از نظر اخلاقی واقعا انسان در موقع غذا خوردن نباید نگاه به دهان و بشقاب دیگران کند یا مثلاً موقع غذا خوردن ببیند که این غذایی را که می‌خورد، بقیه انسان‌ها هم دارند که بخورند یا ما فقط داریم شکم خودمان را پر می‌کنیم یا حتی از نظر علم طب، وقتی که داریم غذا می‌خوریم، چه بخوریم که معده بتواند راحت‌تر آنزیم ترشح کند. پرسش اساسی این است که آیا آن روایت، این نظرات را نفی می‌کند؟

اسدی گرمارودی اضافه کرد: بر اساس همین پرسش، دو سبک تفسیری مطرح شده است. یک سبک تفسیر که تفسیر روایی نام دارد و با مشی اخباریون بیشتر سازگار است که به عنوان شکل اول بیان شد و شکل دومی هم وجود دارد که مرحوم ملامحسن فیض کاشانی مطرح کرده است. ایشان عالمی همه جانبه بود و معقول و منقول می‌دانست و فقیه و محدث بود. از یک سو «کتاب وافی و شافی» متعلق به ایشان است و از سوی دیگر او شاگرد «ملاصدرا» و داماد او است و فلسفه خوانده و عرفان می‌داند. ایشان در تفسیر صافی کار بسیار جالبی انجام داده است که انصافاً از نظر تفسیری می‌شود گفت کار جامعی است.

وی افزود: فیض کاشانی در ذیل هر آیه اگر روایتی از معصومین (ع) است که به مذاق خودش و معیاری که دارد، قابل استناد باشد، سعی می‌کند آن روایاتی را بیاورد، لذا در کل تفسیر صافی حدود 12000 روایت به کار رفته است و ایشان هر جا روایتی موجود است، آن را در ذیل آیه ذکر می‌کند و توضیحاتی هم در ذیل آیات می‌دهد. لذا آن جمود اخباری‌گری را ندارد.

وی با اشاره به روش تفسیری فیض کاشانی خاطرنشان کرد: او در کتاب تفسیری خود در ذیل آیاتی که روایتی برای آن موجود است که مانند مثال پیشین در خصوص انگشتربخشی امیرالمومنین(ع) انحصار در معنا ایجاد می‌کند، روایت را ذکر می‌کند و اظهار می‌کند که معنای آیه غیر از این نمی‌تواند باشد و فقط همان را بیان می‌کند، اما اگر روایتی موجود است که شأنی از شئون يك آیه را بیان می‌کند یا مناسبتی را بیان می‌کند و می‌توان برداشت‌های دیگری هم از این آیه کرد یا مثلاً روایت به مصداقی از آن مفهوم پرداخته است، این وضعیت را بیان می‌کند. ایشان چنین سبکی را در این تفسیر رعایت کرده است.

اسدی در پایان گفت: این تفسیر ضمن این‌که روایی است، در عین حال تفسیری است که مشی عقلی و کلامی و مباحث اخلاقی و عرفانی هم در آن رعایت شده است و از این نظر، تفسیر بسیار جامع و جالبی است، لذا خود مرحوم ملامحسن فیض کاشانی وقتی مقدمه‌ای برای تفسیر خود نوشته که 12 مقدمه را در آن پیش‌گفتار ذکر می‌کند، در همین مقدمه ایشان اصرار بر این دارد که مفسر واقعی قرآن اهل‌بیت(ع) هستند؛ این به آن معنا نیست که اگر در ذیل بعضی از آیات، رویتی نداشتیم یا اگر روایتی ضعیف بود، آن را قبول کنیم، بلکه ما باید اول ببینیم که بیان ائمه(ع) در ذیل این روایات چیست و آنچه که با این منافات نداشت، در فهم قرآن کریم به‌کار ببریم تا بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) که تفسیر واقعی همه جانبه را به‌وسیله امام‌عصر(عج) در جامعه مسلمین شاهد باشیم، ان‌شالله.